

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
۳۱ اگست ۲۰۰۹

شکوه

(۶) در المان :

{ ۴ }

اسلحه وحدت و صلح و صفا

پرچمی افراشته ، مهر و وفا

تارک هر کینه و بغض و جفا

بر همه امراض ، دوا و شفا

وای رجب ، شکوه خروشان نگر

منزل دل گشته چراغان نگر

هموطنان ، بی سر و سامان شده

مسکن شان ، دشت و بیابان شده

ثروت شان اشک یتیمان شده

حاصل شان ، خون شهیدان شده

وای رجب ، شکوه خروشان نگر

دیگر حریفان شده جوشان نگر

شیشه زنگیده ، شکستن ، روا

پرده تزویر دریدن ، بجا

دستی ، ز اُفتاده گرفتن سزا
 وحدتی ایجاد نمودن دوا
 وای رجب ، شکوه خروشان نگر
 منزل دل گشته چراغان نگر
 شکوه ما ، داخل المان بود
 ترک وجب ، سوی رجب خان بود
 با قلم و کاغذ ایمان بود
 قافیهِ و سبک فراوان بود
 وای رجب ، شکوه خروشان نگر
 حاجی و ملا و چلیان نگر
 روزی شدم ، جانب مسجد روان
 فاتحه خوانی یکی دوستان
 جمع شده ، مرد و زن از هر دیار
 بهر تسلی دل مرده دار
 ای وجب و ای رجب و ای عجب
 شکوه ، خودش پشت شما در وجب
 رفتم و چون وارد مجلس شدم
 رسم زمان ، گوشه ای جالس شدم
 لحن ملیحی ز تلاوت ، بلند
 رحمتی بر مؤمن و هر ارجمند
 وای رجب ، خواندن قرآن شنو
 بهر تسلی عزیزان شنو

شکوه

(۶) در المان :

{ ف }

جمله خموش و همگی سوگوار
زمزمه ها ، گه گه سرِ اقتدار
آن یکی شیر خوانده ، دگر شکرش
باقد و با قامت و با پیکرش
وای رجب ، خواندنِ قرآن شنو
زیر و زبر ، ضمّه ، پریشان شنو
بقیه دارد